

تاریخچه تاجیک

لاله جعفری

نویسنده

تصویرگر

لیلا نادری دلیپاک



برای مشاهده محتوای تصویری و صوتی
داستان رمزینه را اسکن نمایید.



9 786229 730959

بہ نام خدا



قاری کرمه بیکه

لیلا نادی دلیک

تصویر

لاله جعفری

نویسنده







هوا گرم بود.

سبد میوه‌ها روی تاب جا مانده بود.
انگور و توت گفتند: «گرم است، گرم.»
هلو و آلو گفتند:

«آهای تاب، گرم شدیم، داغ شدیم، یک کم ما را تاب بده.»





۴

تاریخه



تاب تند و تند بالا رفت، پایین آمد.

سبد میوه باد خورد و باد خورد.

انگور و توت گفتند: «گرما چه کم شد. هوا خُنک شد.»

تاب باز هم رفت و آمد.

سبد میوه باد خورد و باد خورد.

تاب کم کم خسته شد. خیلی خسته شد.

آهسته و آهسته تر شد.

هوا دوباره گرم شد.

میوه‌ها گفتند: «تاب بده، تاب بده. باز هم ما را تاب بده.»

تاب گفت: «حال ندارم. خواب دارم.»

ایستاد و خوابش برد.

توت و هلو گفتند:

«چه کار کنیم؟ گرم شدیم، لهیده و بدمزه شدیم.»

۱

تاب‌زده، تاب‌زده



تاریخه
9



یکهو آفتاب را دیدند. بالای سر تاب بود.

همه با هم داد زدند:

«آفتاب خانم، تو داغی، ما این جا تنها ماندیم.»
آفتاب زود بالای دیوار پرید.
تاب سایه شد.

انگور و توت و هلو دست زدند و سوت زدند
و گفتند:

«به به، چه خنک شد!»

۱۰

تاریخچه



تاریخه

